

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطابه جمعه پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام

سیدنا حضرت خلیفه مسیح موعود ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بتاريخ ۲۲ فوریه ۲۰۱۹ شمسی در لندن خطابه جمعه ایراد نمودند که به زبان های مختلف ترجمه شده بر MTA انترنیشنل زنده پخش شد.

در این روزها، در جماعت به مناسبت فرا رسیدن روز مصلح موعود، جلساتی درباره آن پیشگویی برگزار می شوند که در آن خداوند متعال به حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰۃ والسلام خبر پسر موعودی داده بود و فرموده بود که این پسر را صاحب ویژگی هایی خاص قرار می دهد و او خادم دین خواهد بود و عمر طولانی پیدا می کند و هدف و ماموریت حضرت مسیح موعود علیه السلام را پیش می برد. این پیشگویی متعلق به ۲۰ فوریه ۱۸۸۶ است و نشانه بزرگی بر تاییدات خداوند متعال به همراه حضرت مسیح موعود علیه السلام و حقانیتشان است. طبق موعودی که برای تولد این پسر داده شده بود، آن پسر در ۱۲ ژانویه ۱۸۸۹ به دنیا آمد و نامش میرزا بشیرالدین محمود نهاده شد و پس از وفات حضرت خلیفه المسیح الاول به او ردای خلافت پوشانده شد. این تنها پیشگویی نیست بلکه یک نشانه آسمانی عظیم الشانی است که خدای کریم جل شأنه برای اظهار صداقت و عظمت پیامبرما کریم و رؤوف و رحیم، محمد مصطفی ﷺ به ظهور رسانده است او دعای این عاجز را مستجاب نموده و وعده فرستادن چنان روحی پربرکت داده است که برکات ظاهری و باطنی اش در سراسر زمین پراکنده میشود. خداوند متعال در پاسخ به آن، خبر تولد پسری با ویژگیهای بسیار داد. خبر فرزند عالیقدر داد که عمر طولانی می یابد و بی نهایت باهوش و باذکاوت است و صاحب شکوه و عظمت و ثروت خواهد بود و اقوام از وجودش برکت می جویند، وی به کثرت علوم ظاهری و باطنی داده میشود، فهم عمیق و ژرف کلام الله یعنی قرآن شریف به او داده میشود و وی با به کار گرفتن این فهم خداداد، توفیق پیدا میکند خدمت عظیم الشانی به قرآن شریف کند تا مقام و مرتبت کلام الله بر دنیا آشکار گردد. وی موجب رهایی اسیران میشود، همچنین وی عالم کباب خواهد بود یعنی در دوران حیاتش چنان تباهی و نابودی جهانی روی میدهد که تمام دنیا را گویا کباب میکند، وی تا کناره های جهان شهرت پیدا میکند حال، می بینیم که در دوران حضرت مصلح موعود رضی الله عنه نابودی های جهانی به صورت جنگها به وقوع پیوست، دو جنگ جهانی روی دادند و به صورت آفات آسمانی نیز نابودی و ویرانی رخ داد و پیشگویی شهرت پیدا کردنش در جهان اینگونه به تحقق رسید که آنحضرت در حیات خود مراکز تبلیغی جدید در کشورهای مختلف جهان تاسیس نمود و با انجام فعالیت تبلیغ در آنها در کشورهای متعدد جهان پیام اسلام را ابلاغ نمود و در کناره های زمین شهرت پیدا کرد بلکه به لحاظ این پیشگویی مشاهده می کنیم که این سلسله تاکنون نیز ادامه دارد. حال، چنانکه گفتم در ارتباط با سیره و شرح احوال حضرت مصلح موعود بعضی مطالب را عنوان خواهم کرد آن حضرت فرمودند که حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰۃ والسلام به اساتیدم دستور دادند که به من طبق میلیم تدریس کنند، چنانچه نخواهم درس بخوانم بر تدریس اصرار نورزند چرا که سلامتی ام به حدی نبود که بار تحصیلات را تحمل کنم. خلاصه در این اوضاع تحصیلات من به تکمیل رسیدند. در واقع

من مجبور نیز بودم چون علاوه بر بیماری چشم، جگرم نیز مشکل داشت، شش ماه آبِ عدس مונگ یا ساگ برای درمان جگرم داده میشد و به علاوه، طحالم نیز بزرگ شده بود و لوزه ها نیز متورم شده بودند. غرض از این حالت هر کسی می توان حالم را بشناسد که قابلیت علمی من چه طور است. حضرت مصلح موعود مینویسد که هنوز هم خطم بسیار بد است اما در آن زمان آنقدر بد بود که اصلاً خوانا نبود که چه نوشته ام. حضرت خلیفه اول همیشه به من میفرمود: آقا، حالت به گونه ای نیست که بتوانی مطالعه کنی، همیشه نزد من بیا تا من بخوانم و تو گوش بدهی. وی با اصرار اول قرآن شریف و سپس صحیح بخاری را به من تدریس نمود. اینطور نبود که مرا یواش یواش درس قرآن دادند بلکه تفسیر قرآن در دو ماه به اتمام رساندند. وی مرا نزد خود می نشاند و گاهی جزء کامل و گاهی نصف جزء قرآن را با ترجمه می خواند. و گاهی بعضی از آیات قرآنی را تفسیر هم می کردند. همین طور بخاری در ظرف دو تا سه ماه به اتمام رساندند. همین طور من درس طب خواندم و نیز تفسیر قرآن کریم. خلاصه، این سطح علمی من بود اما در همان روزها که داشتیم این دوره را به پایان میرساندم، خداوند متعال به من رؤیایی القا نمود که درباره پیشرفتم در علم و دانش بود.

پس این است وضع علمی آنحضرت و ایشان اینگونه علم فراگرفت اما سخنرانی ها و خطابه ها و تألیف ها و تفسیر قرآنش شاهد بر این است که خداوند متعال ایشان را تدریس نمود و بدون شک اینها دلیل و مدرک بزرگی بر حقانیت پیشگویی است. در حیات حضرت مسیح موعود علیه السلام در جلسه سالانه ۱۹۰۶ م میلادی آنحضرت اولین سخنرانی در جمع مردم ایراد فرمود. تحت تاثیر علم و معرفت آن سخنرانی که شنوندگان قرار گرفتند و احساس شان درباره آن چطور بود، حدس آن از کلمات حضرت قاضی محمد ظهور الدین اکمل رضی الله عنه میتوان زد. ایشان میفرماید من سخنرانی اش را به دقت گوش دادم چه عرض کنم که سیل فصاحت روان بود که با تمام قدر جاری بود. در اینچنین سن کمی اینقدر پختگی افکار، کمتر از معجزه نیست. فکر میکنم این نیز یکی از نشانه های صداقت حضرت مسیح موعود علیه السلام است حضور پر نور فرمودند که فعالیت های دینی و رشد ذهنی و روحانی آن زمان ایشان بر این دلالت میکرد که مصداق اینکلمات پیشگویی که «وی به سرعت رشد میکند» وی میگردد. در این سن کمی چند نمونه از وضع تحریر و تقریرشان را عنوان میکنم. در افکار و اندیشه هایش مثل مفکر و اندیشمند بزرگ، پختگی آمده بود، کلماتش با اثرگذاری، جذب و خلوص و گداز عجین شده بودند، کلامش ناآشنا از تکلف و تصنع بود و تحریرش از هرگونه تعارف، پاک بود، سخنرانی اش سلاست و روانی طبیعی داشت و تحریرش رود روان سلاست و فصاحت بود. و تقریر و تحریر، هر دو آنحضرت، لبریز از علوم قرآن و آب عرفان بود و همزمان دل و عقل انسان را سیراب میکرد. پس از وفات حضرت مسیح موعود علیه السلام اولین سخنرانی که وی در ۱۹ سالگی ایراد فرمود، درباره آن، یکی از بزرگان صاحب علم و فضل، حضرت مولوی شیر علی رضی الله عنه میفرماید: که آن زمان صدا و لهجه و نحوه سخنرانی حضرت مصلح موعود به صدا و طرز سخنرانی حضرت مسیح موعود علیه السلام چنان به شدت شبیه بود که در دل شنوندگان یاد حضرت مسیح موعود علیه السلام تازه شد. اگر گفتن این درست است که روح انسان بر انسانی دیگر فرود میآید، میتوانم بگویم که آن زمان روح حضرت مسیح موعود علیه السلام بر آنحضرت فرود آمده بود و اعلام میکرد که این پسر عزیزم است که به عنوان نشانه رحمت داده شده است و درباره اش گفته

شده بود که او در حسن و احسان نظیرت خواهد بود. درباره سیره آنحضرت، یک خبرنگار غیراحمدی نظراتی داده است که با ملاقات با صاحبزاده میرزا بشیرالدین هم بسیار خوشحال شدم. وی بینهایت انسان خوش اخلاق و بی ریا است. علاوه بر خوش رفتاری، بسیار آدم فهمیده و مدبر و اندیشمند است. زهد و تقوای و وسعت افکار و بی ریایی ایشان همیشه به یاد میماند.

حضرت مفتی محمد صادق که یکی از اساتید کودکی شان بود، نظر خود را در این کلمات ابراز نمود که من حضرت اولوالعزم میرزا بشیرالدین محمود احمد را از طفولیتش مشاهده میکنم که وی چقدر از همیشه عادت به حیا و شرافت و صداقت و توجه به دین داشت و از کودکی به کارهای دینی حضرت مسیح موعود علیه السلام علاقه مند بود. در نمازها اکثراً به همراه حضرت مسیح موعود علیه السلام در مسجد جامع میرفت و به خطبه گوش میداد. از بچگی در فطرتش به خدا و پیامبرانش عشق ویژه وجود داشت. حضرت صاحبزاده میرزا محمود احمد در تشحیذالاذهان یک دعای خود را ذکر نموده است که در ۱۹۰۹ نوشت. آنحضرت مقالهای نوشت و در آن پس از ذکر برکات رمضان نوشت که باخواندن آن به شدت در دلم انداخته شد که اعضای جماعت خود را نیز به طرف این دعا متوجه کنم معلوم نیست دعای چه کسی مستجاب گردد و فضل خداوند متعال به طور ویژه بر جماعت مان نازل شود. من جهت اظهار درد دل خود، این دعا را اینجا نقل میکنم تا شاید در دل انسان پاک سرشتی جوششی ایجاد شود و او در بارگاه پروردگار خود برای خود و جماعت احمدیه مشغول به دعاها شود که هدف اصلی ام است.

این دعا چنانکه گفتم متعلق به ۱۹۰۹م است وقتی سن آنحضرت فقط ۲۰ سال بود. ببینید ایشان آن زمان نیز در دل خود برای دین و قوم خود سوز و درد داشت. خداوند متعال هزاران هزار رحمت بر ایشان نازل کند که برای نشر دین حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و برآوردن هدف غلام صادق آنحضرت یعنی مسیح موعود و مهدی معهود شبانه روز کار کرد و عهد خود را وفا نمود و در بارگاه الهی حاضر شد. خداوند متعال به ما توفیق دهد که ما این دعای پر از درد آنحضرت را درک بکنیم و بخوانیم و به هدف احمدی بودن نایل شویم.